

گونه شناسی زیارت و دینداری زائران معنا کاوی کنش زیارت زائران امام رضا (ع)

ابوتراب طالبی*

الهه براق علی پور**

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۱۷

چکیده

هدف این مقاله بررسی پدیده "زیارت امام" و فهم زائران ایرانی می باشد. در بررسی زیارت، چهار بعد قابل شناسایی است؛ آداب و مناسک که مربوط به نحوه انجام زیارت است (وجه عملی)، اعتقاداتی که در پس این اعمال نهفته اند (وجه اعتقادی)، شرایط جامعه و درک فرد (زائر) از این کنش. هدف این مقاله بررسی و فهم کنش زیارت از منظر کنشگر، تفهم کنشگران می باشد. ما با استفاده از روش تحقیق کیفی و شیوه نظریه مبنایی، به معنا کاوی این کنش پرداخته ایم. داده های تحقیق از طریق مصاحبه عمیق به دست آمده ولی از روش مشاهده نیز به عنوان تکنیک کمکی استفاده نموده ایم.

* دانشیار جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

** کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

الگوی پارادایمی زیارت با توجه به پدیده محوری حضور در حرم امام رضا(ع) و برقراری نوعی ارتباط، زمینه، شرایط میانجی، شرایط علی، استراتژی‌های کنش زیارت، و پی آمدهای آن بررسی شده است. نتیجه پژوهش مؤید الگوهای گوناگون دینداری و تاثیر الگوی دینداری ایرانیان به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری بینش فرد به زیارت و سرانجام درک وی از زیارت می‌باشد. در واقع با تجزیه و تحلیل داده‌ها، الگویی از دینداری و زیارت در دودسته کلی و هفت نوع: مکتبی، سنتی، روشنفکرانه، شبه روشنفکرانه، مناسکی، مناسبتی و نوظهور بازشناسی شده‌اند. این سنخ‌شناسی بر اساس تفاوت بینش زائران نسبت به دین، زیارت و زیارت امام و تأثیر این بینش‌های متفاوت در انجام زیارت، انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی: دین، امر قدسی، زیارت، تفکر شیعه، زیارت امام،

نظریه مبنایی، دینداری

طرح مسئله

زیارت از نمودهای مذهبی رایجی است که در زندگی بشر همواره حضور داشته و غالباً انسان را به سوی امر قدسی رهنمون بوده است. زیارت در تاریخ زندگی ایرانیان نیز نمود پررنگی داشته است. این امر با ورود اسلام با محتوایی تازه به‌طور گسترده در فرهنگ ایرانی حفظ شده و حتی گسترش یافته است. در این میان "زیارت امام" به‌عنوان انسان کامل و تجلی امر قدسی، در معنای اسلامی و تفکر شیعی با هنر و ادبیات ایرانی درآمیخته و جزئی از فرهنگ عمومی آن‌ها شده است. به وجود آمدن مفاهیم، نمادها، کنش‌های خاص، آداب و رسوم فرهنگی و قومی پیرامون زیارت امام رضا (ع) در بین مردم، هجوم گسترده سفر به مشهد و حضور افراد در حرم امام رضا (ع) و نیز برنامه‌ریزی‌ها در سطح کلان اجتماعی در این مورد، نشانی بر حضور مفهوم زیارت در زندگی ایرانیان است.

بر اساس آنچه از متون پیرامون موضوع زیارت، برمی‌آید می‌توان گفت؛ در بررسی زیارت، چهار بعد آداب و مناسک که مربوط به نحوه انجام زیارت است (وجه عملی)، اعتقاداتی که در پس این اعمال نهفته است (وجه اعتقادی)، شرایط جامعه و درک فرد (زائر) از این کنش قابل شناسایی است. به نظر می‌رسد که شرایط جامعه نیز در شکل‌گیری پدیده زیارت مؤثر است. پیشرفت‌های فناورانه در زمینه‌های گوناگون انواع جدیدی از سفرهای زیارتی و کنش‌های زیارتی را به وجود آورده‌اند؛ اشکال جدیدی مانند توریسم مذهبی، زیارت از طریق اینترنت. تحولاتی نیز در شکل بناهای مذهبی به وجود آمده است که اضافه شدن بخش‌هایی مثل مراکز آموزشی در این بناها از جمله این تغییرات است. رشد فردگرایی، عمومی شدن و اهمیت یافتن فراغت در زندگی، الگوهای جدید دینداری، که با عنوان بسیار کلی شرایط فرهنگی جامعه به آن‌ها اشاره می‌کنیم، همه درکنش و پدیده زیارت مؤثر هستند.

شرایط سیاسی و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های دولت در زمینه زیارت، نیز می‌تواند عامل مهمی در این زمینه به شمار آید. قیمت بلیط هواپیما، قطار و یا ایجاد فضاهای اسکان برای زائران در شهر مقصد، سیاست و سرمایه‌گذاری در ایجاد توریسم مذهبی و تبلیغات جهت جذب توریست، مانند احداث مکان‌های تفریحی-توریستی مثل رستوران‌های زنجیره‌ای پدیده شاندیز، سرزمین موج‌های آبی، گسترش فزاینده مراکز خرید مثل برج آلتون، خانه خورشید و... از نمونه‌های این مسئله است؛ که به تغییر چهره شهر زیارتی مشهد نیز منجر شده‌اند. در این میان به نظر می‌رسد که زائر یا کنشگر تحت تأثیر این شرایط با توجه به ویژگی‌های فردی و شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود به زیارت می‌پردازد. فهم کنش زیارت از منظر زائر؛ با توجه به ابعاد ذکرشده، هدف مقاله حاضر است.

این مطالعه با رویکرد پژوهش کیفی انجام‌گرفته است. انجام این کار از آن جهت اهمیت دارد که مطالعات انجام‌شده قبلی غالباً با روش‌های کمی و بر اساس مقولات و الگوهای رایج صورت گرفته و بر وجوه ظاهری و اثباتی زیارت تمرکز داشته‌اند. نتیجه

مطالعه مبنایی کنش زیارت از منظر زائر ایرانی با توجه به فرهنگ بومی و مفاهیم نظری اسلام شیعی، شناخت بهتری از پدیده زیارت و کنش زیارت فرد ایرانی به نحو بومی فراهم می‌کند. شناخت پدیده زیارت به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ دینی از یک‌سو می‌تواند گام مفید و مؤثری در شناخت جامعه ایرانی باشد و از سوی دیگر می‌تواند در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

پرسش اصلی مورد توجه مقاله این است که؛ درک زائران از کنش زیارت چگونه است؟ آن‌ها چگونه کنش‌های خود در این زمینه را معنا می‌کنند؟ چه صورت‌بندی‌هایی از زیارت زائران می‌توان ارائه کرد و زمینه و عوامل اجتماعی مرتبط کدامند؟

مبنایی نظری و چارچوب مفهومی

آنچه از مطالعه متون پیرامون موضوع زیارت، برمی‌آید این است که پدیده زیارت با مفهوم امر قدسی و دین در ارتباط است. در واقع زیارت قصد، میل و اراده به رفتن به‌سوی مظهر و تجلی‌ای از تجلیات امر قدسی است. اندیشمندان در حوزه دین‌پژوهی و جامعه‌شناسی دین، بسته به این که چه درک و دریافتی از دین و امر قدسی دارند، به بررسی پدیده‌های دینی مانند زیارت، پرداخته‌اند. بر این اساس در ادامه، ابتدا مفهوم و جایگاه امر قدسی در دیدگاه چند تن از دین‌پژوهان و جامعه‌شناسان بیان شده است. با توجه به این که فهم منظر زائر شیعی در این مقاله مورد نظر می‌باشد پس از مرور اجمالی به مفهوم زیارت در تفکر اسلامی با بینش شیعی نسبت به زیارت امام انجام، چارچوب مفهومی تحقیق ارائه شده است.

امر قدسی و زیارت امام در اندیشه اسلامی: در جهان‌بینی اسلامی امر قدسی و زیارت جایگاه ویژه‌ای دارد. برای انسان دیندار در هر عصری برخی از زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت و متمایزند. سید محسن امین در "کشف الارتیاب" می‌گوید: همچنان که یک فرد که مثل دیگران است و با مبعوث شدن به رسالت، واجب‌الاطاعه می‌شود و موقعیت

ویژه‌ای پیدا می‌کند، یک قطعه زمین هم در اصل، با زمین دیگر تفاوتی ندارد، اما وقتی در آن پیامبر یا ولی خدا دفن می‌شود، به واسطه آن، شرافت و فضیلت و برکتی پیدا می‌کند که از قبل نداشته است، از این رو احترامش لازم و اهانتش حرام می‌گردد. از جمله احترامات، آهنگ زیارت آن کردن و بنای قبه و بارگاه و ضریح است (امین، ۱۳۸۶: ۱۰۸).

در نزد اندیشمندان مسلمانی که به عقل شهودی معتقد هستند، شناخت امر قدسی دست‌نیافتنی نیست. امر قدسی با عقل درک می‌شود، به این سبب که اساساً دین و عقل در تضاد باهم نیستند. در بینش توحیدی، صور قدسی، همگی تجلی ذات یگانه حق‌اند. این بینش کثرت صور قدسی را دلیلی قاطع بر واقعیت امر قدسی و جهان حقیقی می‌داند که در مذاهب و بینش‌های گوناگون به سبک خاصی نمود می‌یابد. این دیدگاه، خاستگاه همه ادیان اصیل را در مبدأ الهی می‌بیند و با تأکید بر واقعیت وحی، مبدأ الهی هر سنت و نبوغ معنوی هر دین را که به ژرف‌ترین معنای کلمه، یعنی به معنای صدور بی‌واسطه آن از مبدأ کل، امری اصیل است، مورد تأکید قرار می‌دهد (نصر، ۱۳۸۶: ۲۴). در اسلام به‌طور اعم و در تصوف به‌طور اخص، شخص کامل و واصل به‌حق را ولی‌الله می‌نامند و اسم این کلمه ولایه است. در مذهب شیعه مرتبه امامت با مقام ولایت که صورت فارسی کلمه ولایه است ملازم و ارتباط دارد. بنا به عقیده شیعیان، پیغمبر اسلام (ص) مانند انبیاء اولوالعزم سلف، علاوه بر قدرت نبوت و رسالت به معنای آوردن شریعت الهی، دارای نیروی هدایت و ارشاد معنوی و ولایت نیز بوده است و ولایت از طریق دخترش فاطمه (ص) به حضرت علی (ع) و از ایشان به ائمه اطهار (ع) انتقال یافته است. (نصر، ۱۳۸۵).

از نظر شیعه امام همیشه زنده است و بر اعمال و احوال و احساس زائر آگاه است. مطهری در کتاب امامت و رهبری می‌گوید: هیچ عصر و زمانی از یک ولی کامل، خالی نیست و برای آن انسان کامل مقامات و درجات زیادی قائل‌اند (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۳). بنابراین امام، تجلی از تجلیات خداوند است و شیعه برای بهره‌مندی از این انسان کامل و

تجلی قدسی، که بر او ولایت دارد، به زیارت امام می‌رود.

در دایره المعارف تشیع جلد ۳ صفحه ۳۶ آمده است که زیارت در لغت، دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه، مفهوم میل و گرایش نهفته است، گویی زیارت کننده از دیگران روی گردانده و به سوی زیارت شونده تمایل و قصد کرده است. در دایره المعارف الاسلامیه الشیعه آمده است که زیارت نزد شیعه، حضوری روحی است و روحانیت بزرگ‌تر از آن مزور (زیارت شونده) است و نفسیت ممتاز و صفات قدسی او بر نفس زائر افاضه می‌شود و او از آن بهره می‌جوید تا بعد از اضطراب به اطمینان و پس از شقاوت به سعادت و بعد از ناامیدی به امیدواری و پس از رد کردن به روشنی برسد. بنابراین زیارت امام در اندیشه اسلامی و تفکر شیعه، جایگاه مهمی دارد. این مفهوم در قرآن، سنت، کاملاً مشخص و مفهوم‌پردازی شده است. متفکران مسلمان نیز در اعصار گوناگون به شناخت عقلی و فلسفی زیارت امام، پرداخته‌اند. احادیث و روایات متعددی به ذکر فلسفه، اصول، آثار و آداب زیارت امام پرداخته‌اند. آنچه از بررسی این متون برمی‌آید، تأکید و توجه به زائر، آگاهی و معرفت وی نسبت به زیارت و جایگاه امام، است. مفهوم "زیارت بامعرفت"، که در منابع اسلامی از آن یاد می‌شود، به این تأکیدات اشاره دارد.

مفهوم امر قدسی و زیارت از دیدگاه دین‌پژوهی: "رودلف اتو" در کتاب "مفهوم امر قدسی" به واکاوی امر قدسی و تحلیل صورت‌های متنوع تجربه دینی پرداخته است. وی غالباً با چشم‌پوشی از جنبه عقلانی و نظری دین، توجه خود را عمدتاً بر ویژگی غیرعقلانی آن معطوف ساخته است. وی خدا را فوق عقل و خارج از توان توصیف می‌داند، موجودی درک‌ناپذیر و تعریف‌ناپذیر که هرگونه تعریف از او رنگ بشری دارد و با محدودیت‌های بشری آمیخته است. وی معتقد است که خدا را با عقل نمی‌توان شناخت و عقل بشری ناتوان از درک خداست (اتو، ۱۳۸۰). اتو در کتاب امر قدسی می‌کوشد تا ویژگی‌های این تجربه خوف‌انگیز و خلاف عقل را کشف کند. او این احساس خوف و خشیت را در برابر امر قدسی و در مقابل سرّ مهیب و ذات

پرجلالی می‌یابد که مبدأ ظهور و سریان سیطره نیرویی عظیم است. او خوف دینی را در برابر سرّ مجذوب‌کننده و خشوع انگیزی می‌یابد که در آن کمال مطلق وجود، سریان دارد. اتو از همه این تجربیات با نام نیروی قدسی یاد می‌کند. زیرا این تجربیات از راه انکشاف جنبه‌ای از نیروی الهی حاصل می‌شوند. نیروی قدسی خود را به‌مثابه موجودی مطلقاً دیگر به نمایش می‌گذارد؛ یعنی موجودی اساساً و کاملاً متفاوت، که هیچ شباهتی با امور انسانی و کیهانی ندارد. در مواجهه با آن، انسان عمیقاً احساس نیستی و عدم می‌کند و احساس می‌کند که تنها موجودی ضعیف و ناتوان است. مانند بیانی که ابراهیم(ع) خطاب به پروردگار جهان به زبان می‌آورد: «اینک من که خاک و خاکستر هستم» (الیاده، ۱۳۸۸: ۴).

"یوآخیم واخ" تجربه دینی را شامل دو بخش: ۱- بیان نظری و آیین و ۲- بیان عملی یا مناسک می‌داند. وی معتقد است در شهود یا تجربه دینی همیشه حداقلی از بیان نظری دین وجود دارد. این شهود غالباً به‌صورت نمادین متجلی شده، عناصری از تفکر یا آیین دینی را به‌طور ضمنی در خود می‌نمایاند. این تصور نخستین در احکام نظری کم‌وبیش مشخص و منسجم، صورت‌بندی شده است (واخ، ۱۳۸۷: ۲۱۰). واخ معتقد است که مقوله دوم بیان تجربه دینی، خواه مناسک باشد یا مراسم عملی با مقوله اول رابطه مستقیم و نزدیک دارد. آنچه در احکام نظری، ایمان صورت‌بندی شده است در اعمال الهام شده دینی به کار رفته است. به معنی وسیع‌تر باید گفت تمام اعمالی که از تجربه دینی مایه گرفته یا با تجربه دینی مشخص می‌شوند، همه در حکم بیان عملی مناسک هستند. در تمام ادیان، تجارب قدسی به‌صورت اعمالی احترام‌آمیز نسبت به ذات متعالی انجام می‌شود (واخ، ۱۳۸۷: ۲۵). بنابراین در اندیشه واخ، زیارت به‌عنوان بیان عملی تجربه دینی است.

"میرچالیاده"، از منظری دیگر به پدیده قدسی و زیارت، پرداخته است. الیاده در تعریف امر قدسی آن را در مقابل و مخالف امر عرفی می‌داند. الیاده بیان می‌کند که امر قدسی ممکن است در اشیاء، انسان‌ها و سایر موجودات نمود پیدا کند و باعث ایجاد

ساحت، مکان و زمان نامتجانس شود. هنگامی که امر قدسی خود را در هر نوع ظاهر می‌سازد، نه تنها در تجانس و همانندی مکان، گسست پدید می‌آید، بلکه انکشاف واقعیت مطلق که نقطه مقابل عدم واقعیت گستره وسیع پیرامون است، نیز حاصل می‌گردد. تجلی و ظهور امر قدسی به نحوی وجود شناختی جهان را بنیان می‌نهد. در گستره همانند و متجانس بی‌کرانه که در آن هیچ مرکز ثقلی موجود نیست و از این رو هیچ نوع جهت‌یابی‌ای را نمی‌توان اثبات کرد، تجلی نقطه‌ای ثابت، مطلق و مرکزی را آشکار می‌سازد (الیاده، ۱۳۸۸: ۱۶). وی معتقد است با متجلی شدن امر قدسی، هر شیء چیز دیگری می‌گردد و باین همه، همان شیء باقی می‌ماند، زیرا همچنان در محیط پیرامون خود شرکت دارد. برای کسانی که تجربه دینی دارند سراسر طبیعت این قدرت و توانایی را دارد که خود را همچون قداست کیهانی آشکار سازد. کیهان در تمامیتش می‌تواند به یک تجلی و ظهور تبدیل گردد. انسان جوامع کهن سعی دارد که تا حد امکان در بطن امر قدسی یا در قرب اشیاء و موجودات دارای قداست زندگی کند. امر قدسی برای او مساوی با واقعیت است. امر قدسی سرشار و آکنده از وجود است (الیاده، ۱۳۸۸: ۴).

الیاده در کتاب "مقدس و نامقدس" بیان می‌دارد که نیروی قدسی به معنای واقعیت و در همان حال به معنای دوام، بقا و منشئیت اثر است. دو قطب قدسی - عرفی غالباً در تقابل میان امر واقعی و امور غیرواقعی یا شبه واقعی تعریف می‌گردند. الیاده به نوعی به دو شیوه زیستن در جهان پرداخته است و قدسی و عرفی را دو نحوه بودن در جهان و دو موقعیت هستی‌شناسی می‌داند. وی انسان غربی را در مقابل بسیاری از جلوه‌ها و مظاهر امر قدسی دچار احساس ناباوری و عدم انس می‌داند. زیرا نمی‌تواند باور کند و یا نمی‌تواند درک کند که انسان‌های دیندار سنگ یا درخت را نمی‌پرستند بلکه این‌ها، از آن جهت که تجلی امر قدسی‌اند، مورد تقدیس قرار می‌گیرند. در مجموع در نگاه دین‌پژوهان یاد شده می‌توان زیارت را به معنای تضرع، تمسک، توسل و نزدیک شدن به امر قدسی تعریف کرد.

جایگاه امر قدسی و زیارت در جامعه‌شناسی: در میان صاحب‌نظران علوم

اجتماعی دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه دین و دینداری و بر این اساس کنش زیارت وجود دارد. برای نمونه می‌توان به نظریه‌های: گیرتز، لویس، زاگرن، رابرت بلا، پیتز برگر، گلاک و استارک و چارلز تیلور اشاره کرد. بحث در مورد همه آن‌ها نیاز به فرصت و مقال دیگری دارد. در اینجا به آرا سه نظریه‌پرداز مهم: دورکیم، برگر و تیلور اشاره می‌شود. دلیل انتخاب و پرداختن به آرای آن‌ها این است که ضمن شمولیت تاریخی و تأثیرگذاری بر نظریه‌های دیگر، مبانی مفهومی و نظری درک کنش زیارت زائران را فراهم می‌کنند.

"دورکیم" معتقد است که دین پدیده‌ای اجتماعی است و تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی دیگر ایجاد می‌شود و دگرگونی می‌یابد. او تقدس و عدم تقدس را شاخص اصلی امر دینی می‌شمارد. به اعتقاد دورکیم، در تاریخ ادیان همه اعتقادات دینی شناخته‌شده، خواه ساده و یا پیچیده، خصوصیتی یکسان را ارائه می‌دهند: آن‌ها یک گروه‌بندی از کلیه چیزها را، اعم از عینی و ذهنی، از آنچه انسان‌ها تصور می‌کنند و در دودسته و دو گونه متضاد مشخص شده و به‌طور کلی در دو معنای متفاوت که به طرز رسایی با دو واژه مقدس و نامقدس (ناپاک) بیان می‌شوند، مسلم می‌دانند. تقسیم‌بندی به دو قلمرو، یکی قلمروی هر چه مقدس است و دیگری قلمروی هر آنچه پلید است، صفت مشخصه تفکر دینی می‌باشد (دورکیم، ۱۳۸۲: ۴۷). وی معتقد است که تقدس، صفت ذاتی اشیاء مقدس نیست؛ بلکه صفتی است که در جامعه به آن شیء نسبت داده می‌شود. می‌توان دید که هر چیزی، از بی‌فایده‌ترین یا بی‌آزارترین و ناچیزترین انواع جانوران و اشیاء، در مذاهب گوناگون، تاکنون مورد پرستش و نیایش قرار گرفته‌اند. دورکیم در مورد مقدسات و نامقدسات، معتقد است که مقدسات آن‌هایی هستند که ممنوعیت آن‌ها را حفظ و مجزا می‌کند. چیزهای پلید آن‌هایی هستند که ممنوعیت بر آن‌ها اعمال می‌گردد و باید با موارد نخست فاصله‌شان حفظ شود. اعتقادات دینی نموده‌هایی هستند که ماهیت چیزهای مقدس را بیان می‌کنند و روابطی را که آن‌ها چه با یکدیگر و چه با چیزهای پلید دارند، تقویت می‌نمایند. اعمال مذهبی (شعائر) مقرراتی‌اند

که چگونگی رفتار انسان را در برابر چیزهای مقدس معین می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۲: ۵۳). بنابراین از نظر دورکیم دین، مستلزم وجود امر مقدس، سپس سازمان یافتن باورهای مربوط به امر مقدس و سرانجام مستلزم مراسم و اعمالی است که به نحوی کم‌وبیش منطقی و مشتق از باورها است (جلالی مقدم، ۱۳۷۹: ۸۲).

دورکیم از آیین‌های مثبت و منفی نام می‌برد. به اعتقاد وی حالت‌های مناسک در دو گروه مثبت و منفی جای می‌گیرند. در واقع هر آیینی جنبه دوگانه را ارائه می‌دهد: یک جنبه منفی و یک جنبه مثبت. وی بیان می‌کند که این دو نوع آیین به‌طور تنگاتنگ باهم مرتبط می‌شوند. آیین منفی به نظامی که توسط این مراسم خاص تشکیل می‌شود، اطلاق می‌شود. آن‌ها مؤمن را از انجام برخی از امور منع می‌کنند، این آیین‌ها شرط ورود به آیین (پرستش) مثبت هستند. مؤمن از طریق آیین منفی، خود را پاک و منزّه می‌کند و از اشیاء پیش‌پاافتاده و مبتذل که موجب بی‌ارزش شدن گردیده جدا می‌سازد و آماده انجام آیین مثبت می‌شود. آیین مثبت نظام ویژه اعمال مذهبی است مانند پرستش، قربانی کردن و غیره. بر این اساس، طبق نظر دورکیم، می‌توان زیارت را "پدیده‌ای اجتماعی" و جز آیین‌های مثبت به شمار آورد.

"پیتر برگر" از نظریه‌پردازان پدیدارشناسی معاصر نیز درک اجتماعی از دین دارد. وی که معتقد بود با مدرنیزاسیون و توسعه سکولاریسم، دین روزبه‌روز به حاشیه رانده می‌شود با بررسی بیشتر مشکلات مدرنیته و بی‌خانمانی ذهنی انسان‌ها در آن از یک‌سو و از سوی دیگر تأثیرات چشم‌گیر دین در دهه‌های اخیر به بازاندیشی در نظریه خود پیرامون سکولاریزاسیون پرداخت. وی معتقد است که دین در حیات اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. اما وی از مفهوم «ذهن بی‌خانمان» بهره می‌گیرد که بنیاد آن بر «بازگشت به سوژگی» استوار است. بازگشتی که از بی‌اعتمادی انسان به «نهادهای اولیه»^۱ پدید می‌آید و با رفتن به سوی «نهادهای ثانوی»^۲ همراه می‌گردد. این نهادها راه میانه‌ای را

-
1. Primary Inttitutes
 2. Secondary Instituts

را مطرح می‌کنند که میان ناکامی‌های نهادهای اولیه و بی‌خانمانی دنیای مدرن قرار دارد. بنابراین، انسان‌ها سعی می‌کنند با جستجوی «خانه‌هایی» جدید، یا «نهادهای ثانوی»، سرپناهی برای خویشتن فراهم نمایند (Berger, 1974: 168). درمجموع برای فهم دینداری و زیارت از دیدگاه برگر می‌توان آن را فعالیتی انسانی، معنی بخش، آرمش آفرین و تسکین‌دهنده تلقی کرد که انجام آن نه لزوماً به علت تن دادن به الزامات بیرونی و نهادی که به دلیل نیازهای انسانی انجام می‌گیرد.

"چارلز تیلور" از مهم‌ترین نظریه‌پردازان تبیین رفتارهای دینی بر اساس نیازهای درونی انسانی با عنوان نظریه انفسی شدن است. بطور خلاصه، نظریه انفسی شدن، بیان می‌دارد که «چرخش گسترده ذهنی در فرهنگ مدرن» موجب تقویت و ترویج معنویت‌گرایی مبتنی بر زیست ذهنی یا انفسی شده است که منبع حجیت و اعتبار باورها و اعمال را درون فرد قرار می‌دهد و همین درون، منبع اولیه و مهم معنا نیز هست. درنتیجه، وزن و اعتبار آن نوع از زیسته‌های دینی که منبع را درون فرد نمی‌دانند و زندگی را بر اساس انتظارات بیرونی و مرجعیت خارجی و غیر انفسی شکل می‌دهند، اهمیت و نفوذ خود را ازدست می‌دهند. درمجموع می‌توان گفت که مطالعات پدیدار شناختی دین به سمت رویکرد جدید، یعنی تأکید بر درونیات و تجربه دینی در مقابل مطالعات برون نگرانه و عینیت‌گرایانه است.

نتیجه آن که می‌توان زیارت را به‌مثابه کنشی معنی‌دار در نظر گرفت. تبیین کنش زیارت از منظر جامعه‌شناسی را می‌توان بر روی طیفی از نظریه‌ها استوار کرد. در یک‌سوی آن نگاه بیرونی مبتنی بر الزامات مناسکی و در سوی دیگر آن زیارت به‌مثابه کنشی انسانی مبتنی بر اقتضائات درونی و انفسی قرار می‌گیرد. بر این اساس می‌توان در زیارت زائر مؤلفه‌های انفسی و معانی فردی را در مقابل الگوها و معانی نهادی شده بیرونی و جبری جستجو کرد. بدیهی است در این مطالعه که باهدف درک زمینه مند و بافتاری کنش زیارت زائران ایرانی و کوشش برای نظریه‌سازی انجام‌گرفته است، نیازی به انتخاب از میان آن‌ها نمی‌باشد. مفاهیم و دیدگاه‌های یاد شده ابزارهای مفهومی برای

ورود به میدان پژوهش و مشاهده و درک بهتر کنش زیارت می‌باشند نه هدف تحقیق.

روش تحقیق

پژوهشی که این مقاله بر مبنای آن نگاشته شده با روش نظریه‌مبنایی از شیوه‌های روش کیفی انجام گرفته است. در واقع مطالعه زیارت به صورت ژرفانگر و بعد درک زائر از زیارت و آنچه او از این کنش درک می‌کند با توجه به شرایط جامعه به لحاظ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مورد توجه پژوهش یاد شده قرار گرفت؛ تا به توضیحی داده محور در باب نحوه انجام زیارت بین ایرانیان و شناختی از این کنش، دست یابیم. در این راستا شیوه نظریه‌مبنایی مورد استفاده قرار گرفت، چرا که این شیوه امکان خرد کردن یک کنش به مقولات متعدد و مشخص شدن مفاهیم پیرامون موضوع مورد بررسی را فراهم می‌کند. با برقراری ارتباط بین این مقولات می‌توان به الگوهای نظری و ارائه سنخ‌شناسی حول موضوع دست یافت. شیوه نظریه‌مبنایی عبارت است از: آنچه به طور استقرایی از مطالعه پدیده‌ای به دست می‌آید و نمایانگر آن پدیده است (استراس، کوربین، ۱۳۸۷: ۲۲). در این تحقیق تحلیل داده‌ها در سه مرحله: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت.

در پژوهش حاضر با توجه به ویژگی‌های موضوع، داده‌ها با چند روش: مشاهده همراه با مشارکت و بدون مشارکت، مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ زائر شیعه ایرانی، مصاحبه‌هایی در قالب گفتگوهای دوستانه، شرکت در جلسات مذهبی و ایجاد بحث گروهی پیرامون زیارت (جلسات زنانه ختم قرآن در کرج و مشهد)، گردآوری شده‌اند.

روش نمونه‌گیری: الگوی نمونه‌برداری تحقیق هدفمند بوده است. معیار ما در گردآوری اطلاعات توجه به تنوع زیارت و نیز کارهایی بوده که افراد انجام می‌دهند یا انجام نمی‌دهند. مانند این که، بیشتر در خود فرو می‌روند و یا به انجام مناسک می‌پردازند، افراد زیارت‌نامه می‌خوانند یا نه، به ضریح نزدیک می‌شوند یا نه. همچنین

شرایطی که منجر به بروز و تنوع این کنش‌ها می‌شود و تغییر این شرایط و آثارش و همچنین پیامد کنش‌های افراد، مدنظر ما بوده است. مانند کنش و کنش متقابل افراد در برابر ضریح و یا سایر آداب. مثلاً اگر فردی دستش به ضریح می‌رسید گمان می‌کرد حاجت می‌گیرد، یا فردی نزدیک ضریح نمی‌شد چون به نظرش کار بی‌فایده‌ای می‌آمد، فردی نماز جماعت نمی‌خواند چون از عبادت جمعی بدش می‌آمد و غیره.

راهنمای توجه ما، داده‌های حاصل از مطالعه متون دینی زیارت، مطالعات اکتشافی و تجربه نگارنده و نیز الگوی پارادایمی روش مبنایی بوده است. از آنجایی که هر مصاحبه و مشاهده بلافاصله و قبل از مورد بعدی تجزیه و تحلیل می‌شد، راهنمای نمونه‌گیری، سؤال‌ها و مقایسه‌هایی بودند که در طی تجزیه و تحلیل بروز می‌کردند. در نمونه‌گیری، ما به تنوع داده‌ها دقت داشتیم مثلاً در محیط حرم در پی نمونه‌هایی با ظاهر (پوشش) متفاوت بودیم و نیز افرادی که کنش‌های متفاوتی انجام می‌دادند؛ به همین منظور در نقاط گوناگون حرم، که ذکر شد، نمونه‌گیری صورت گرفته است. ابتدا با زائران در حرم و اطراف حرم و نیز در سطح شهر مشهد و سپس با مجاوران مصاحبه‌هایی ترتیب داده شد. بر همین مبنا و به دلیل ایجاد تنوع، با نمونه‌هایی در خارج از مشهد، که از قبل، طی مطالعات اکتشافی با آنها آشنا شده بودیم و از سفرهای زیارتی آنها به مشهد مطلع بودیم، مصاحبه انجام دادیم. مانند مواردی که به عرفان‌های جدید گرایش داشتند و یا نگاهی فلسفی یا سکولار به دین داشتند.

ما همچنین لیستی از مکان‌ها و کنش‌ها تهیه و بر اساس این لیست به مشاهده و مصاحبه در مکان‌های گوناگون پرداختیم. مثلاً از افرادی که دور ضریح زیارت‌نامه می‌خواندند؛ سؤال شد: معنی‌اش را می‌خوانی؟ می‌دانی محتوایش در مورد چیست؟ مشاهده افرادی که به ضریح نزدیک شده و از لای جمعیت دور ضریح بیرون می‌آیند، دقت شد که به اطرافیان چه می‌گویند، از آنها سؤال شد: دستتان رسید؟ دقت در این که رسیدن و نرسیدن را چه طور معنا می‌کنند؟ مشاهده افراد در ورودی‌های حرم، از ورودی‌ها چه طور وارد می‌شوند با سکوت؟ حرف زدن؟ دعا خواندن؟ برای پی بردن به

واکنش افراد به معماری‌های مدرن داخل حرم، افراد در مقابل و داخل رواق دارالحججه، مورد مشاهده و مصاحبه قرار گرفتند. در تمام این مراحل سعی کردیم نمونه‌های متنوع و مورد نیاز را از سنین و تیپ‌های گوناگون (اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) پوشش بدهیم. هرچند نسبت به جنس حساس نبودیم، تفاوت‌هایی مانند عادت ماهانه خانم‌ها، خلوت بودن دور ضریح در طرف مردها، تفاوت در نحوه بازرسی خانم‌ها و آقایان و حساسیت به حجاب خانم‌ها از سوی متولیان حرم، طی مصاحبه و مشاهدات نمایان شد که خود سبب تفاوت‌هایی در زیارت دو جنس می‌شد.

کدگذاری: در این مرحله، داده‌ها تجزیه و تحلیل شده و ما به مفاهیم و مقولات و روابط بین آن‌ها دست یافتیم. با توجه به هدف تحقیق، که عبارت از تفهم و معنا کاوی کنش زیارت در میان زائران امام رضا (ع) (نه تعمیم یافته‌ها) و مقوله‌بندی و سنخ‌شناسی انواع زیارت بوده است؛ در تحلیل یافته‌ها، از قواعد نظریه‌مبنایی پیروی شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، مقولات گوناگونی از مصاحبه‌ها و مشاهدات به دست آمد. این مقولات، بر اساس الگوی پارادایمی (یعنی شرایط علی، پدیده محوری، شرایط میانجی، استراتژی‌های کنش/کنش متقابل و پیامد)، مشخص و به یکدیگر مرتبط شدند. به این ترتیب که با طبقه‌بندی اطلاعات هر سند (مصاحبه‌های پیاده شده و داده‌های حاصل از مشاهدات) عناصر الگوی پارادایمی تشخیص داده شد. بین مقولاتی که ذیل هر یک از عناصر پارادایم قرار گرفتند و نیز بین عناصر پارادایم، از طریق طرح پرسش و مقایسه‌های مکرر، ارتباطاتی برقرار گردید. در نهایت پس از پایان روند مراحل کدگذاری، عناصر الگوی پارادایمی برای مجموعه داده‌ها، استخراج گردید و مقولات و الگوهایی از روابط بین مقولات، حاصل شد که در ادامه خواهد آمد.

یافته‌ها

سؤال اصلی تحقیق این است که؛ درک زائران از کنش زیارت چگونه است؟ به عبارت دیگر زائر چه طور این کنش را فهم می‌کند؟ و چگونه کنش خود را معنا می‌کند؟ زمینه‌ها

و عوامل مؤثر برکنش زیارت زائران ایرانی کدامند؟

در بخش اول یافته‌های تحقیق ابتدا بر اساس مدل الگویی نظریه مبنایی: پدیده محوری، شرایط علی، شرایط میانجی، استراتژی‌های کنش/کنش متقابل و پیامدهای زیارت ارائه می‌گردد. در بخش دوم با توجه به سنخ‌های زیارت و دینداری، الگوی زیارت و دینداری آورده شده است.

پدیده محوری: مقوله یا پدیده محوری تحقیق، حضور در حرم امام رضا (ع) و برقراری نوعی ارتباط است. زائران حرم (شامل زائران مسافر و ساکنان مشهد یا مجاور) به دلایل گوناگون حضور می‌یابند و از این طریق احساس می‌کنند از شرایط معمولی و عادی به فضایی ویژه که در آن امکان "اتصال" به امام فراهم می‌شود حضور می‌یابند. به نظر می‌رسد این پدیده در کلیت خود بیشتر با رویکرد نهادی به دین که در آن وجه بیرونی و اجتماعی محوریت دارد و دارای ابعاد قدسی، فضایی و مناسکی است هماهنگ است.

شرایط علی زیارت: شرایط علی گوناگونی سبب به وقوع پیوستن پدیده محوری حضور در حرم امام رضا و برقراری نوعی ارتباط است. بر اساس نتایج تحقیق، برخی افراد به قصد زیارت از مبدأ حرکت می‌کنند و عده‌ای بعد از سفر به مشهد، بنا به دلایلی به حرم می‌روند. افرادی که ساکن مشهد هستند نیز بنا به شرایطی به زیارت می‌روند. نمونه‌هایی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان که به شرایط علی دلالت دارد، از این قرار است.

پرسش: چرا اومدی حرم؟

"هر چی بخوام بهم می‌ده، پول نداریم برویم جایی دیگه حج فقرای دیگه.

ثواب داره برای ثواب باید بیایی زیارت امامان.

آمدم تا بلکه حاجتم را بگیرم.

من نذر داشتم حتماً باید امسال ادا می‌کردم تو حرم.

فقط قصدم زیارت امام رضا است فقط.

هر گرفتاری داری می‌روی پیش آقا هر وقت که می‌روم سبک می‌شوم شفیع هستند

روز قیامت.

ما شیعیان معتقدیم دعا توسل به ائمه مشکلات را برطرف می‌کند. وقتی توی زندگی کم می‌آوریم اگر برنامه‌مان هم نباشد می‌رویم، همان حضور مهم است. ملاقات است دیگر.

فقط بهانه‌ای برای دعا کردن می‌روم تا بتوانم دعا کنم.

با مشهد ارتباط معنوی دارم.

اگر بروی مشهد و زیارت نروی مثل این که بروی ترکیه و نروی کافه‌های توی خیابان بنشیننی که اشتباه توریستی است.

شرایط علی یاد شده به‌طور کلی به دودسته شرایط مادی و معنوی دلالت می‌کنند. شرایط معنوی بیان‌کننده ارتباط معنوی فرد با حرم و شرایط غیرمادی‌ای است که علت زیارت او است. مانند این دلایل: حالم جا بیاد، انرژی بگیرم، حال می‌کنم، تخلیه روانی و ارتباط معنوی با مکان قدسی.

شرایط مادی، به عواملی اشاره دارد که قصد فرد از زیارت، طلب خواسته یا حاجت و یا شرایطی اجبار کننده برای حضور در حرم است. مانند این دلایل: گرفتن حاجت، ادای نذر، همراهی با خانواده یا دوستان. معمولاً در میان زائران هر دو شرایط علی در حضور فرد در حرم مؤثر هستند.

زمینه زیارت: زمینه، مبین خصوصیات ویژه‌ای است که به پدیده محوری دلالت می‌کند. همچنین نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش/کنش متقابل شکل می‌گیرد. زمینه به توصیف زیارت و بیان احساسات و حال و هوای افراد در حرم دلالت می‌کند. نمونه‌های توصیف زیارت و بیان احساسات زائران از این‌قرار است:

حس نزدیکی می‌کنم. کلاً توی اون فضا احساس راحتی می‌کنم.

توی حرم حال و هوایش جوری است که یادت هست امام رضا هست و دارد

نگاهت می‌کند.

اطراف حرم احساس می‌کنم یه چیزی هست، شاید به خاطر چراغانی‌هایش است

یا عکس‌های زیادی است که دیدیم انگار به چیزی از خودش ساطع می‌کند که منو بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وقتی دعا می‌کنی، نماز می‌خوانی، صدای اذان را از نزدیک می‌شنوی، احساس بهتری هم داری و سبک می‌شوی، مثل این است که توی خانه هم می‌توانی عرق بخوری اما ترجیح می‌دهی بروی توی دیسکو که همه توی آن حال و هوا هستند. توی حرم لحظه‌ای هست که فکر می‌کنم خودم هستم و امام، حس این که در آغوش یک فرد کامل عاقل همه چی تمام مهربان بودی. غرور داری که پیش امامی اما شرمنده هستی که چرا خوب نیستی.

یه وقتایی حس بیشتری دارم. انگار سیم‌ها وصل میشه. همه صحن‌ها و زیرزمین و همه مکان‌ها بسیار خوشبو است. حس می‌کنم تو بهشتم.

توصیف افراد از صداها، معماری، رنگ‌ها و درمجموع مکان و فضای حرم و همچنین واکنش افراد نسبت به نمادهایی مثل گنبد، ضریح و... نشان‌دهنده نوعی ارتباط است که به زمینه زیارت افراد، اشاره دارد. این مطلب راجع به علاقه افراد به اوقاتی خاص مانند اوقات نماز و به‌خصوص سحر نیز صدق می‌کند. این اوقات در روایات نیز سفارش شده‌اند. در این بخش پاسخ‌هایی که بیشترین بسامد رو داشته و نشان‌دهنده توصیف افراد گوناگون از فضای حرم است ارائه شده است.

پرسش: وقتی می‌گن "زیارت امام رضا" اولین تصورتون چیه؟

گنبد امام رضا.

گنبد طلایی، رنگ طلایی.

یاد ضریح می‌افتم، ضریح بالا، چون بیشتر از تلویزیون نشون می‌دن.

پنجره فولاد و ضریح.

کجای حرم را بیشتر دوست دارید؟

وقتی می‌آیم تو و ضریح معلوم می‌شود.

بعد از بازرسی اون جایی که دیده می‌شه گنبد، در طبرسی را دوست دارم. صحن انقلاب، مسجد گوهرشاد رو خیلی دوست دارم. معماری اش فوق‌العاده است. نمی‌تونم مطمئن باشم که چیز مقدس وجود داره یا نه اما معماری و زیبایی اون جا کافیه، برای این که من رو مدهوش کنه.

سقاخونه را دوست داشتم. ایستادم آنجا و نگاه کردم دور حوض بزرگ و ضریح.

افراد در پاسخ به این پرسش که کی و کجا دعا می‌کنی؟ می‌گویند:

نشسته و وقتی سعی می‌کنم به ضریح نزدیک شوم، آخرین حدی که نزدیک شده‌ام

چرا وقت سحر می‌روید حرم؟

چون آن موقع شرایط دعا بهترین حالت است. کلاً موقع سحر برای دعا خیلی سفارش شده کلاً نه حالا فقط برای زیارت، دم اذان ظهر حضرت زهرا همیشه دعا می‌کردند. حول و حوش اذان‌ها کلاً خیلی سفارش شده.

قبل از اذان صبح فضای جالبی داشت، آواز می‌خواندند، بعد اذان می‌گفتند، هوا خنکه، یه کم خلوت‌تر هست. این که وقتی مشهد هستم اگر خوابم نبرده باشد جالب‌ترین کاری است که آن ساعات می‌توانی انجام دهی.

زمینه به توصیف تجربه فردی و احساس فرد در مورد این ارتباط که یا متوجه مکان یا فضا یا فرد مقدسی است مربوط می‌شود. در اینجا تعدادی از مقولات با عبارات خود افراد آورده شده‌اند؛ که اصطلاحاً به این نام‌ها، کد زنده می‌گویند:

مقوله سیم‌ها وصل که می‌شود دال بر ارتباط عمیق مذهبی فرد با فضای قدسی اسلامی، مقوله بهشت دال بر ارتباط فرد با امر قدسی دست‌نیافتنی و رازآلود، مقوله آغوش دال بر ارتباط فرد با فرد قدسی یا انسان کامل مطابق با تفکر شیعه، و مقوله ارادت نیز دال بر ارتباط مذهبی فرد با فضای قدسی اسلامی می‌باشد. مقوله زیبایی مدهوش کننده ارتباط فرد با مکان و فضای حرم به لحاظ زیبایی‌های هنری و جاذبه‌های توریستی مانند معماری می‌باشد.

شرایط میانجی در زیارت: شرایط میانجی بر راهبردهای (استراتژی‌های)

کنش/کنش متقابل اثر می‌گذارند. راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود می‌کنند. شرایط میانجی به ویژگی‌ها و تاریخچه زندگی فرد، تحصیلات، شغل، سن و جنس، منابع تغذیه فکری و جهان‌بینی فرد، در مجموع شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فرد دلالت می‌کند.

این که زائر در مورد دین، زیارت و زیارت امام، چه اطلاعاتی دارد. این که فرد چه درکی از دین و نمودهای دینی دارد. این که کم و کیف زیارت وی چگونه است (مانند این که در چه زمانی با چه وسیله‌ای با چه کسانی و چه مدت به زیارت آمده؟ چه تجربه و زمینه قبلی نسبت به زیارت دارد؟ و...)، شرایط میانجی‌ای محسوب می‌شود که در کنش‌هایی که در مکان زیارتی انجام می‌دهد، مؤثر است. برخی از این شرایط در بیان زائران، از این قرارند:

وقتی می‌روی آنجا انگار امام رضا کمک می‌کند تا گناهاش کمتر شود.

همه‌جا بوی گند می‌دهد بوی عرق، مثل کولی‌ها می‌خواهند به ضریح برسند یک تکه آهن است که تازه دورترین ضریح به قبر امام رضا است.
امامت، کامل شده تر از نبوت است، دین تکمیل شده، با امامت.
هر جامعه‌ای رهبر لازم دارد. چه بهتر که از نواده‌های پیامبر باشند، معصوم هستند و رهبر.

امام عصمت دارد آدم می‌تواند خیالش راحت باشه، اطمینان داری به امام. مدتی در مورد حکومت دینی خوانده‌ام چون برایم دغدغه بوده و مطمئن شدم که غیر امام هیچ رهبر دینی نداریم این که در کتاب‌ها آمده است قبول ندارم.

من خیلی به بی‌اشتباهی امامان معتقد نیستم معصوم بودن یا قطب عالم امکان بودنشان را قبول ندارم بی‌نقص نیستند و هم دیگر را هم نقض می‌کنند.

اصلاً فلسفه توسل را قبول ندارم که بروی به امام رضا آویزان شوی که خدا تو را قبول کند. من خودم شخصیت دارم پیش خدا خودم انسانم و درسته مثل امام رضا معصوم نیستم ولی نیاز به کسی ندارم که برای من وساطت کند.

امام اگر نباشد انگار هیچ چی نیست، الآن دنیا که به پا مانده به خاطر وجود امام زمان است، اگر در دنیا امامی زنده نباشد، دنیا کن فیکون می شود.

امام الگو است یک کسی بوده که خلیفه خداست امام خلیفه شده و معصوم است. نورهای الهی هستند و ما هم می خواهیم به مقام خلیفه خدا بودن نزدیک شویم.

من اساساً درگیر بودم با جایگاه امام در اسلام توی واحدهای درسی مان هم بوده و برای من جای فکر داشته نسبت به تصور امام به عنوان قطب عالم امکان و حلقه بین فرد و خداوند بیشتر اعتقاد دارم تا این که به لحاظ عقلی بتوانم ثابت کنم.

شنیده ام امام یعنی پیشوا امام رضا مردم رو درست هدایت کرده و بقیه معصومین. نقش امام را نمی دانم، مطالعه ای ندارم فقط تو درس هامون بودن و دنبالش هم نبودم. فقط امام رضا رو خیلی دوست دارم، مامانم خودش را مدیون امام رضا می دونه، امام رضا شفارش داده، خانواده ام هر سال می روند.

از بچگی همیشه شنیده ایم امامان مهم هستند، قلبی زیارت را دوست داریم.

از خانواده هیچ تربیت دینی نشدم. تحت تأثیر معلم دینی های دوران مدرسه بودم بعد خودم فلسفه دین و اخلاق خواندم.

تعداد دفعات رفتن به زیارت متفاوت بوده با خانواده سعی بر این بوده روزی دو بار برویم با دوستانم با این که برای من قصد زیارت در سفر بوده اما آن ها چون تپشان خیلی مرتبط نبوده میزان کمتری در حرم صرف شده. بستگی به افرادی دارد که با آن ها مشهد رفته ام.

چون تو دی ماه خانواده ام رفتند مشهد و من وقت نداشتم و یک روزه با هواپیما خودم رفتم و برگشتم و خانواده ام یک هفته مونده بودند و من خیلی رو دلم بود که برم و بیشتر بمونم. من کلاس داشتم. با دوستان سه روز موندم. نزدیک بودیم به حرم.

ترجیح می دهم تنها بروم که حواسم به کسی نباشد با خانواده خاله ام هم زیارت رفتن را دوست دارم چون خیلی با خدا هستند با آن ها حال بیشتری پیدا می کنم.

ما را مجانی آوردند. این بار که با دوستانم آمدم حال معنوی بیشتری دارم، معنویتش

بیشتر است. مسئولم در قبال این خرج‌ها که معنویت را حفظ کنم. من خیلی کوچیک بودم و پیراهنی که عمویم برایم آورده بود پوشیده بودم و یه آقای خادم به اعتراض به لباسم و پاهایم با این پرها زد به پاهایم. تا مدت‌ها این تصویر بد از ذهنم پاک نمی‌شد و ترمیم نمی‌شد.

از میان شرایط میانجی مؤثر، میزان و کم و کیف آگاهی فرد، نسبت به اصول، فلسفه و آداب زیارت امام در اسلام، از عوامل مهم در ایجاد کنش‌های زائران پیرامون زیارت است. آگاهی افراد از راه‌های گوناگون حاصل شده است. بر اساس داده‌های تحقیق عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از: مقوله شنیده‌ها که حاکی از اطلاعات پراکنده و نامنسجم افراد از طریق شنیده‌هایی جستجوگریخته است. این افراد اغلب از عبارت شنیده‌ام که ... در بیان اظهاراتشان در مورد آداب و عقاید دینی استفاده می‌کنند. مقوله اطلاعات پامنبری حاکی از اطلاعاتی است که افراد در روضه‌ها و مراسم دینی مناسبی مانند شهادت و ولادت امامان از منبری‌ها کسب می‌کنند و مهم‌ترین خصلت این اطلاعات این است که افراد درصدد رد یا تحقیق در موردشان نیستند و صرفاً آن‌ها را می‌پذیرند. مقوله جلسات دینی به جدیت فرد در انتخاب منابع کسب اطلاعات اشاره دارد. مقوله کتاب‌های درسی به اطلاعات رسمی در دسترس و دم‌دستی و عدم تلاش فرد در کسب اطلاعات اشاره دارد و مقوله مطالعه شخصی به خودمداری فرد در کسب اطلاعات اشاره دارد.

استراتژی‌های کنش/کنش متقابل در زیارت: این استراتژی‌ها، راهبردهای ایجادشده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده، تحت شرایط مشاهده‌شده خاص است. افراد در شرایط زمینه خاص و تحت شرایط میانجی، در حرم کنش‌هایی را انجام می‌دهند. برخی اظهارات افراد مورد مصاحبه قرارگرفته، در مورد اعمالی که در حرم انجام می‌دهند، از این‌قرار است:

دوست دارم به زبون خودم باهاس حرف بزئم، از دور بهش سلام می‌دیم. خانواده من هم تماس می‌گیرند میگن بگیر رو به حرم حرف بزئیم با امام رضا. از اطراف حرم

پیراهن، عطر، تسبیح و لباس نوزاد خریدم و به ضریح مالیدم تا تبرک بشوند. نذری هم گرفتیم.

قبلاً که اومده بودم همسر خوب می‌خواستم و دخیل هم بستم که حالا حاجتم را گرفتم.

اون که به زبون خودم میگم بیشتر دوست دارم. خیلی به زیارت‌نامه اعتقاد ندارم.

یه حس دیگه‌ایست که بری و ضریح را بگیری.

سعی نمی‌کنم برای این که نزدیک شوم و دستم به ضریح بخورد. هیچ لزومی نمی‌دیدم که باید برم جلو چون خیلی شلوغ بود. رو به روی ضریح سعی می‌کنم ارتباط برقرار کنم.

وضو می‌گیریم و می‌رویم. از اول که وارد صحن می‌شویم تا برسیم به ضریح الله‌اکبر می‌گوییم، بعد دعا می‌خوانیم و زیارت‌نامه می‌خوانیم وارد که می‌شویم سلام می‌دهیم و وارد می‌شویم، دعا می‌کنیم برای همه مسلمان‌ها، دو رکعت نماز زیارت به نیابت امام زمان هدیه برای امام رضا، برای والدین، اولاد، اموات، نماز زیارت می‌خوانیم. از اول که وارد می‌شیم تا وقتی می‌رسید جای امام رضا ذکر می‌گی زیارت‌نامه می‌خونی، راز و نیاز می‌کنی.

سعی می‌کنم نزدیک ضریح باشم. حسرت رسیدن به ضریح رو دارم همیشه. مفاتیح را باز می‌کنم، اگر چیز مرتبطی باشه، می‌خوانم.

وقتی حرم امام رضا رفتم این‌طور بود که نزدیک ضریح همه مسائل را در ذهنم می‌آوردم و حتی می‌گفتم و دعا می‌کردم.

ترجیح می‌دهم بالای سر دو رکعت نماز بخوانم که بیشتر دور ضریح توی مردانه است. من از توی تهران آداب را رعایت می‌کنم غسل می‌گیرم نماز می‌خوانم صدقه می‌گذارم و از حضرت استمداد می‌کنم که زیارت بامعرفت نصیب من کن.

داخل و سمت ضریح نمی‌رفتم. تو صحن‌ها راه می‌رفتم. تو حرم نگاه می‌کردم.

ذهنم پرسه می‌زد، دفترچه می‌بردم و یه چیزهایی از رنجی که داشتم می‌نوشتم.

تفاوت‌های آشکاری در کنش‌هایی که افراد در حرم انجام می‌دهند، وجود دارد. این اعمال در مواردی از جانب سازمان متولی حرم و خدام جهت داده می‌شود. می‌توان گفت برنامه‌ریزی‌ها در سطح اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به هر صورت در نحوه انجام زیارت نقش دارد. از طرفی اندیشه‌های دینی و قومی و فرهنگی افراد نیز این کنش‌ها را جهت می‌دهد. در مجموع شرایط میانجی در شکل‌دهی و جهت دادن این کنش‌ها بسیار مؤثر است. در مجموع کنش‌های زائران، تحت دو مقوله رسیدن دست به ضریح و نرسیدن دست به ضریح قرار می‌گیرد. به این سبب که ضریح به‌عنوان نماد مذهبی در تمام موارد با واکنش افراد روبرو شده است. به این صورت که زائران، از علاقه یا بی‌میلی خود در نزدیک شدن و لمس ضریح صحبت می‌کنند. اساساً مفهوم رسیدن و نرسیدن دست به ضریح در خود، معنای اهمیت این امر در هر دو صورت رسیدن و نرسیدن و رفتن یا نرفتن به سمت ضریح را دارد. شرایط میانجی و درک فرد از زیارت و نمادهای زیارت، در قرار گرفتن کنش‌های فرد در هر یک از این دو مقوله تأثیرگذار است.

پیامد زیارت: پیامد، نتیجه و حاصل کنش/کنش متقابل است. پیامد به نتیجه عمل که در آینده رخ می‌دهد، نیز دلالت می‌کند. در این زمینه آن‌ها می‌گویند:

من نماز نمی‌خوندم، ولی او مدم مشهد خیلی تغییر کردم نماز می‌خونم، قرآن می‌خونم، کار نداشتم کارم جور شد ازدواج کردم ماشین دار شدم. کارای بدی که انجام می‌دادم رو انجام نمی‌دم کارهای خوب که انجام نمی‌دادم رو انجام می‌دم حالا.

آرامش مهم‌ترین چیزی هست که به دست می‌آورم بعد از زیارت. یکی از افراد دیگر می‌گوید "سبک میشم.

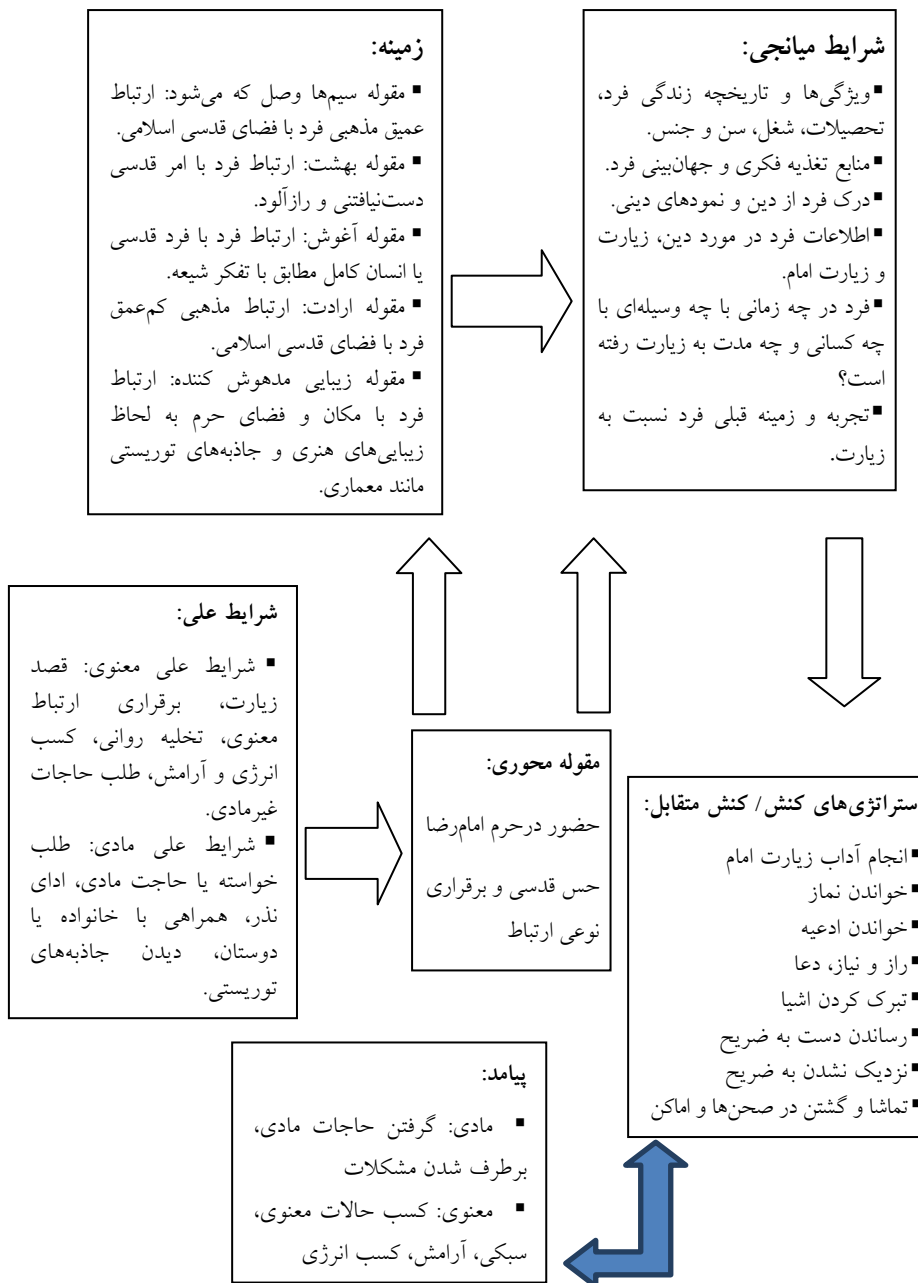
تا مدتی حس نزدیکی به خدا دارم.

در مجموع بر اساس داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه‌ها (گروهی، فردی، گفتگوها و مشاهده مشارکتی) پیامدهای را می‌توان به دودسته پیامدهای مادی/ غیرمادی و انفسی و نهادی تقسیم کرد. مقوله‌هایی مانند: گرفتن حاجت، برطرف شدن مشکلات از

نوع مادی و مقوله‌هایی مانند: سبکی، آرامش، کسب انرژی از نوع معنوی و انفسی هستند.

الگوهای دینداری و زیارت: بررسی مضمون الگوی پارادایمی نظریه مبنایی، نشان می‌دهد که در میان عناصر این الگو، شرایط میانجی و راهبردهای کنش/کنش متقابل در زیارت، از تنوع بیشتری برخوردار هستند. از آنجاکه شرایط میانجی در شکل‌گیری کنش‌های افراد نقش مؤثری دارد؛ بررسی این شرایط، به کشف الگوهای در زمینه زیارت و دینداری کمک می‌کند. بررسی شرایط میانجی در زیارت و بینش فرد نسبت به دین، زیارت و زیارت امام در میان سایر شرایط، تأثیرگذارتر می‌نماید. با در نظر گرفتن کنش‌های زائر، و بینش او نسبت به زیارت امام و جایگاه زائر می‌توان الگوهای دینداری و زیارت را ملاحظه کرد. بر این اساس سه دسته الگوی دینداری و زیارت به چشم می‌خورد: ۱- معرفت بنیاد (بر اساس معرفت دینی نهادی) ۲- غیر معرفت بنیاد (بر اساس معرفت دینی نهادی) و ۳- دینداری‌های جدید. این دسته‌بندی همچنین به نحوه نگرش و بینش فرد نسبت به دین، امر قدسی و زیارت؛ همچنین میزان اطلاعات و آگاهی وی از این موارد، دلالت دارد و نحوه زیارت فرد را مشخص می‌کند.

الگوی پارادایمی (مدل الگویی)



الف - دینداری‌های معرفت بنیاد: دسته معرفت بنیاد، به دینداری‌هایی اشاره دارد که مبتنی بر نوعی مبانی و اصول مشخص معرفتی مأخوذ از منابع دینی است. افراد این دسته، دارای توانایی تحلیلی و آگاهی نسبت به کنش‌های دینی خود هستند. آن‌ها با توجه به میزان آگاهی و شناخت نسبت به دین، امر قدسی، امام و زیارت امام، آن‌چنان‌که در "بینش اسلامی" آمده است در گروه‌های گوناگون دینداری قرار می‌گیرند. به‌نحوی‌که اولین گروه بیشترین شناخت و انطباق را با "بینش اسلامی و تفکر شیعی" دارد و آخرین گروه کمترین شناخت و انطباق را داراست.

۱- دینداری مکتبی و زیارت: در این نوع دینداری و زیارت، کنش فرد نشأت گرفته از جهان‌بینی توحیدی است. نسبت به مبانی دین، زیارت و زیارت امام معرفت کامل دارد. کنش‌هایش از منطق دینی و بر طبق اصول و آداب در منابع اسلامی است. اطلاعاتش را از مطالعه و جلسات مذهبی دریافت می‌کند. بینش وی نسبت به امر قدسی مطابق با اندیشه اسلامی است. در زیارت امام، بر اساس آداب اسلامی و تفکر شیعه، دست به کنش می‌زند. درک و دریافتش از مفهوم امام در تفکر شیعه، در نحوه زیارت او مهم‌ترین نقش را داراست. به سبب همین درک و شناخت جایگاه امام، به زیارت امام می‌رود. می‌توان گفت درک این گروه از زیارت منطبق با فلسفه زیارت در بینش نهاد علمی اندیشمندان شیعی است.

۲- دینداری سنتی و زیارت: دینداری و زیارت این گروه منطبق با اندیشه اسلامی و بینش شیعی است. اما معرفت فرد نسبت به مبانی اعتقادات نسبتاً ضعیف است و مقلد دینداران مکتبی است. اغلب اطلاعات صحیح و گسترده‌ای در مورد زیارت دارند. اطلاعات این افراد از نوع پامبری و به سبب تربیت مذهبی و سنتی می‌باشد. عبارت «از اول همین‌طوری به ما یاد دادند» نشان‌دهنده چنین بینش دینی است. زیارت امام برای این گروه همراه با غلیان احساسات است. آداب سفارش شده در مورد زیارت در منابع اسلامی را اجرا می‌کنند. از آنجاکه با فلسفه زیارت امام در تفکر شیعی آشنا هستند، درک فرد از زیارت نزدیک به این تفکر است، اما در مقایسه با دینداران مکتبی دارای معرفت و

خودآگاهی کمتری هستند.

۳- دینداری روشنفکرانه (باز اندیشانه) و زیارت: در این نوع دینداری باوجود این که فرد به اصول دین چون توحید، امامت و... معتقد است و به قواعد دینی، چون حجاب، نماز، روزه و... پایبند است، اما نگاهی فردگرایانه به دین دارد و دست به تفسیرهای شخصی در این حوزه می‌زند. از مهم‌ترین مسائل دینی که مورد چالش این گروه است؛ بحث حکومت دینی است. افراد در این گروه تحت تأثیر فضاهای مدرن اندیشه مانند فردگرایی، عمومی شدن فراغت، توریسم مذهبی و تفکرات در حوزه جامعه‌شناسی دین هستند. این افراد غالباً دارای تفکرات نخبه‌گرایانه و شیوه زیست مدرن می‌باشند و غالباً تربیتی مذهبی و آکادمیک دارند. در نحوه انجام آداب زیارت و کنش‌های‌شان به علاقه و انتخاب شخصی متکی هستند. جذابیت‌های توریستی مکان مذهبی، در گرایش این افراد به زیارت، تأثیرگذار است. این افراد در حرم با مفهوم امام یا فرد قدسی ارتباط برقرار می‌کنند.

۴- دینداری شبه روشنفکری و زیارت: به لحاظ اندیشه دینی و مبانی معرفتی، از گروه دینداری روشنفکر پیروی می‌کنند. اما در مقایسه با این گروه از آگاهی و معرفت کمتری نسبت به دین برخوردارند و در اجرای قواعد و آداب دینی پایبندی کمتری دارند. می‌توان گفت به نسبت گروه قبلی، کمتر مذهبی هستند. وجه توریستی زیارت این گروه بسیار پررنگ است. مثلاً زمانی خاص برای دیدن تصویر یا برای شنیدن آوایی خاص به حرم می‌آیند. آدابی خاصی را در زیارت انجام نمی‌دهند و کنش‌های‌شان بیشتر متوجه ارتباط با خداوند است. درواقع مفهوم امام و زیارت ایشان برای این گروه، دارای اهمیت محوری نیست.

ب - دینداری‌های غیر معرفت بنیاد: دسته دینداری‌های غیر معرفت بنیاد به انواعی از دینداری‌ها اشاره دارد که افراد بر اساس "مبانی" مشخصی دست به کنش نمی‌زنند؛ بلکه بنا بر شرایط و تحت تأثیر برخی از عوامل مانند فضا، مناسبت یا مناسکی خاص به کنش‌های مذهبی می‌پردازند. اعتقادات این افراد شکلی تلفیقی دارد و از بینشی

خاص تبعیت نمی‌کنند. اساساً مباحث مربوط به دین و مفاهیم دینی دغدغه فکری این دسته نیست. می‌توان گفت صرفاً به برخی از کنش‌های دینی مانند زیارت علاقه‌مند هستند. وجه مشترک افراد این دسته عدم برخورداری از مبانی معرفتی مشخص است.

۱- دینداری مناسکی و زیارت: اطلاعات این دست از زائران از نوع شنیده‌ها و پانبری است. به مناسک دینی، بدون شناخت آموزه‌های نظری و اعتقادی آن‌ها، علاقه‌مند هستند. برای ایشان امر قدسی ماهیتی دست‌نیافتنی، رازآلود و مهیب دارد و بعضاً عقاید خرافی دارند. شناخت کافی از فلسفه زیارت امام ندارند و بسیار احساسی با مفاهیم دینی برخورد می‌کنند. به نمادهای مذهبی و مناسک دینی علاقه‌مند هستند. شرایط علی‌مادی، مانند ادای نذر، گرفتن شفا و خواسته‌های دیگر، مهم‌ترین علت زیارت این گروه است. مهم‌ترین کنش این دسته در حرم، تبرک جستن و جمع‌آوری اشیاء متعلق و منسوب به حرم است. در انجام زیارت و اجرای آداب به اصول خاصی پایبند نیستند، هر کنشی را که بشنوند خوب است، انجام می‌دهند. در هنگام زیارت، به شدت دچار غلیان احساسات می‌شوند. در حرم زیاد عکس می‌گیرند. با اقوام به‌وسیله تلفن‌های همراه صحبت می‌کنند. افرادی که تلاش زیادی می‌کنند که به ضریح برسند و یا افرادی که نامه و ... در ضریح می‌اندازند، اغلب متعلق به این گروه هستند.

۲- دینداری مناسبتی و زیارت (پارتی‌های دینی): به مناسبت‌های مذهبی مانند ایام عاشورا، شبهای قدر و ... علاقه‌مند هستند. با ظاهری مدرن در این مناسبت‌ها شرکت می‌کنند. شرایط مادی بیش از معنوی سبب حضورشان در حرم است، مانند همراهی با خانواده، دوستان و هماهنگ بودن شرایط زمانی و کاری. وقتی در فضا و مکانی با حس و حال مذهبی و دینی قرار می‌گیرند، دچار حس خوبی می‌شوند. در زیارت امام هم وقتی در فضای حرم هستند، کنش‌های مذهبی رایج را انجام می‌دهند. اما برای این افراد، دین با برگشت به زندگی روزمره، نقشش را از دست می‌دهد و صرفاً به عقاید و اعمال مذهبی قابل احترام تقلیل پیدا می‌کند.

ج- دینداری‌های نوظهور (عرفان‌های جدید) و زیارت: این نوع دینداری و

زیارت انواع گوناگونی دارد. آمیزه‌ای از عرفان‌های اسلامی و غربی و مذاهب گوناگون است. وجه بارزشان رها شدن از قواعد شرعی و قیده‌های دینی است. به‌نوعی رهایی از قواعد نهادی و آزاد کردن انرژی‌ها و رفتاری طبیعی اعتقاد دارند. این جهت‌گیری بر فرد و حواس انسانی مبتنی می‌باشد. به سبب شرایط علی معنوی به زیارت می‌روند. زیارت آن‌ها معمولاً با برخی کنش‌های غیرمعمول همراه است؛ مثلاً ساعت‌ها به‌جایی خیره می‌شوند و یا ساعت‌ها زیربنا یا محرابی می‌ایستند. در نمازشان اشعار عارفانه می‌خوانند و.... معرفتی نسبت به فلسفه امام ندارند؛ بیشتر با مکان، به‌عنوان مکان مقدس به سبب حضور انرژی‌های مثبت تعداد کثیری از افراد در طی زمانی طولانی، ارتباط برقرار می‌کنند. این نوع از دینداری و زیارت با الگوی موردنظر چارلز تیلور در خصوص معنویت‌های نوظهور بسیار نزدیک است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه شد افراد به شیوه‌ها و دلایل گوناگون از نقاط گوناگون کشور و در شرایط متفاوت، به حرم امام رضا می‌روند. ما در این مقاله کوشش کردیم به فهم نسبتاً جامعی از کنش زیارت امام رضا از منظر زائر ایرانی دست بیابیم. درمجموع می‌توان گفت وقتی افراد به زیارت می‌روند سعی در ایجاد ارتباط با عنصری دارند که احساس می‌کنند: امر قدسی (خدا، امام)، فضا و مکان مقدس یا همه این‌ها در آنجا قابل وصول است. این افراد در وضعیت‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار دارند و دارای تاریخچه‌های متفاوت زندگی، جهان‌بینی، نگرش‌های دینی و بینش‌های متفاوت نسبت به زیارت هستند. زائران در واکنش به احساسات و بنا بر شرایط گوناگونی که به لحاظ فردی تجربه‌اش می‌کنند، کنش‌هایی انجام می‌دهند و از انجام کنش‌هایی خودداری می‌کنند. این کنش و کنش‌های متقابل پیامدهایی در زمان و یا در آینده برای فرد دارند.

شرایط میانجی‌ای که فرد آن‌ها را تجربه می‌کند و به همراه دارد در شکل‌گیری

کنش‌های وی در حرم و در رابطه با زیارت امام رضا مؤثر هستند. الگوی پارادایمی نشان‌دهنده الگوی دینداری و زیارت زائران است؛ که از روابط بین عناصر مدل الگویی (شرایط میانجی و استراتژی‌های کنش/کنش متقابل) به‌دست آمده است. الگوی دینداری ایرانیان به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری بینش فرد به زیارت و نهایتاً درک وی از زیارت محسوب می‌شود. در این تحقیق ما به سه نوع از دینداری و زیارت دست یافتیم. به نظر می‌رسد نظریه‌های جامعه‌شناسی دینداری مانند: نظریه دورکیم، برگر و تیلور به تنهایی تبیین‌کننده صورت‌های گوناگون دینداری و زیارت ایرانیان نمی‌باشند. با این وجود مفاهیم کلیدی و گزاره‌های اصلی نظریه‌های یاد شده مانند: وجه بیرونی-اجتماعی، مناسکی و نهادی زیارت و دینداری (نظریه دورکیم) و وجه درونی-فردی و انفسی زیارت و دینداری (نظریه تیلور) در جامعه موردتحقیق به نحو چشم‌گیری قابل مشاهده هستند. الگوی غالب زیارت و دینداری همچنان الگوی نهادی است که در چارچوب "دین اسلام" و باورهای نهادی شده وجود دارد. اما الگوی دیگری نیز با نمودهای قابل رؤیت و محسوسی وجود دارد که بیشتر در میان برخی افراد تحصیل کرده، برخی از روشنفکران و بویژه افراد انسانگرا دیده می‌شود. بحث تفصیلی در این زمینه نیازمند فرصت و مطالعات بیشتری می‌باشد.

منابع

- اتو، رودلف. (۱۳۸۰)، *مفهوم امر قدسی*، همایون همتی، تهران، نقش جهان.
- استراس، آنسلم، کوربین، جولیت. (۱۳۸۷)، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها*. بیوک محمدی، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۸)، *مقدس و نامقدس، ماهیت دین*، بهزاد سالکی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

- الیاده، میرچا. (۱۳۸۹)، *دین پژوهی*، بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم.
- انوری، حسن (سرپرست)، (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: نشر سخن.
- برگر، پیتر برگر و دیگران (۱۳۸۱)، *ذهن بی‌خانمان*، محمد ساوجی، نشر نی،
- ترنر، برایان. (۱۳۷۹)، *ماکس وبر و اسلام*، سعید وصالی، تهران: نشر مرکز.
- جلالی مقدم، مسعود. (۱۳۷۹)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ دین*، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- حاجیان، علیرضا. (۱۳۹۰)، *زیارت از دیدگاه عقل و نقل*. مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت. Retrieved 10/5/1390 از سایت کتابخانه تخصصی حج.
- حسینی عاملی، سید محسن امین. (۱۳۸۶)، *کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب*، تهران: چاپخانه ستار، چاپ دوم.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۲)، *صور ابتدایی حیات مذهبی*، نادر سالار زاده، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ اول.
- شیخ حر عاملی. (۱۳۶۶)، *وسایل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: انتشارات آل‌البیت لإحیاء التراث.
- عالم زاده، بزرگ. (۱۳۸۷)، *حرم رضوی به روایت تاریخ*، مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
- علیزاده، عبدالرضا؛ اژدری زاده، حسین؛ کافی، مجید. زیر نظر محمد توکل. (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی معرفت*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- فروند، ژولین. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.

- قمی، جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه. (۱۳۸۸)، *کامل الزیارات، امیر وکیلان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- محمدی، بیوک. (۱۳۸۷)، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷)، *امامت و رهبری*، قم: انتشارات صدرا، چاپ سی و هفتم.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۵)، *اسلام و تنگناهای انسان متجدد*، انشاء الله رحمتی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ دوم.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۵)، *معرفت و معنویت*، انشاء الله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ سوم.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۶)، *دین و نظم طبیعت*، انشاء الله رحمتی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- واخ، یوآخیم. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی دین*، جمشید آزادگان، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم.
- هامیلتون، ملکم. (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی دین*، تهران: موسسه فرهنگی - انتشاراتی تبیان.

- Berger, Peter, and Thomas Louckman, (1963), "*The Sociology of Religion and the Sociology of Knowledge*", London: Collins